

گفتگو با دکتر بهروز بهبودی بنیانگذار و مدیر «شبکه بین‌المللی واشنگتن» شبکه تلویزیونی «وین تی وی» این بار با قدرت بیشتر و برنامه‌هایی پربارتر به صحنه می‌آید

چه عواملی موجب تعطیل موقت شبکه بین‌المللی واشنگتن شد؟ ناصر محمدی



نفت پیدا می‌شود و چندین چاه برای بهره‌برداری در آن حفر می‌کنند، وضعیت دکتر بهبودی و دوستانش یک سره دگرگون می‌گردد و وارد بازار نفت می‌شوند و با شرکت‌های بزرگ نفت و گاز آمریکا که شرکت‌های بین‌المللی هستند در ارتباط و همکاری قرار می‌گیرند. آنها سال‌ها به کار استخراج و فروش نفت خام به پالایشگاهها و شرکت‌های بزرگ ادامه می‌دهند و سرانجام پس از تحولات فراوانی که رخ می‌دهد، دکتر بهبودی در چند شرکت عظیم نفتی از جمله شرکت معظم نفت آسکان سهامدار می‌شود. او اینک در این کمیته‌های نفتی دارای سهام است و درآمد قابل ملاحظه‌ای کسب می‌کند.

با توجه به طبیعت این کار اقتصادی که هیچ ارتباطی به جامعه ایرانی پیدا نمی‌کند و با توجه به مراوده درازمدت با خارجی‌ها، دکتر بهبودی با جامعه ایرانی خارج از کشور که بعد از انقلاب در آمریکا و کانادا ساکن شده آشنایی مختصری دارد و از آنچه در میان ایرانی‌ها می‌گذرد و جریاناتی که روی داده و می‌دهد اطلاع چندانی ندارد. جالب آنکه برای بررسی آنچه در ایران می‌گذرد که به نام دین، حکومتی استبدادی برقرار کرده‌اند، دکتر بهبودی به یک مطالعه وسیع در باب ادیان توحیدی سامی - یهودیت و مسیحیت و اسلام - می‌پردازد تا اختلافات میان این ادیان را بشناسد و به سهم خود در رفع آن گام بردارد. با چنین پیش‌زمینه‌ای، دکتر بهبودی که از نوجوانی از موطن خویش دور بوده اما همواره در آرزوی آن بود که حال که دستش می‌رسد کاری برای وطنش انجام دهد، وارد فعالیت سیاسی و رسانه‌ای می‌شود و از آن جا که به واسطه زندگی طولانی در جوامع آزاد درد ایران و جامعه ایرانی را ناشی از فقدان آزادی دموکراسی می‌داند، فعالیت خود را بر روی توسعه دموکراسی متمرکز می‌کند که توضیحات بیشتر را از زبان خود او می‌شنویم.

● آقای دکتر، شما از نظر اقتصادی شخصیت موفقی هستید و بخش عمده زندگی شما هم دور از جامعه ایرانی سپری شده است. معمولاً سرمایه‌داران ایرانی از ورود به مسائل ایرانیان پرهیز می‌کنند و حاضر به اینکه کمکی به جامعه ایرانی بکنند نیستند مگر آنکه منافعی برایشان در بر داشته باشند. در مورد شما و کاری که در راه‌اندازی شبکه «وین تی وی» انجام دادید، بحث منافع شخصی منتفی است. چه انگیزه‌ای باعث شد که وارد این فعالیت شوید و شبکه تلویزیونی تأسیس کنید؟

– من با آنکه از کشورم دور بودم و با جامعه ایرانی هم کمتر ارتباط داشتم، اما از آن جا که بهر حال ایران زادگاه من است و من با استفاده از امکانات مالی کشورم موفق به تحصیل شدم و همین تحصیل مرا در مسیری قرار داد که سرانجام توانستم به ثروت و مکتب برسیم. همواره نسبت به کشورم و هموطنانم احساس دین می‌کردم. و با خود می‌گفتم بهر حال در چنین شرایطی که ایران گرفتار یک رژیم استبدادی است و مردم تحت فشارهای شدید هستند و حقوق بشر به طور فاحش نقض می‌شود و جوان‌ها برای رسیدن به آزادی و دموکراسی زندان و شکنجه را تحمل می‌کنند و بسیاری از آنها نیز در این راه جان خود را از دست داده‌اند، من هم باید در حد توان خودم کاری انجام دهم و خدمتی عرضه کنم. در داخل ایران، جوان‌ها و زنان و گروه‌های مختلف اجتماعی برای تغییر وضع مبارزه می‌کنند و رژیم هم به شدت آنها را سرکوب می‌کند. یک وظیفه عمده که بر عهده ما ایرانیان خارج کشور و بخصوص فعالان سیاسی و حقوق بشر است، رساندن صدای مردم ایران به مردم دنیا و دولت‌های جهان است. از طرف دیگر تجربه زندگی در جوامع آزاد به من آموخته که آنچه جوهر اصلی پیشرفت و رفاه مردم این جوامع است، آزادی و دموکراسی است. از این رو قصد کردم در این دو مورد تا جایی که در توانم هست گام بردارم.

از حدود سه سال قبل یک سازمان سیاسی به نام «شورا» برای یک ایران دموکراتیک و نام اختصاری CDI تأسیس و فعالیت را آغاز کرد. این سازمان همچنان فعالیت می‌کند و شبکه بین‌المللی واشنگتن «وین تی وی» یکی از نهادهایی بود که در زیر مجموعه این شورا تأسیس کردم. پیش از تأسیس تلویزیون نیز البته با درج مقالات در روزنامه‌های معتبر و بازتاب آنها در رادیو و شبکه‌های فارسی زبان که با من خارج زیاد همراه بود اقداماتی انجام داده بودم که شرح آن طولانی است. در هر صورت نهایتاً تصمیم گرفتم با هزینه خود یک شبکه تلویزیونی تأسیس کنم با این انگیزه که جایگاهی برای اطلاع رسانی و تعاطی افکار و اندیشه‌ها ایجاد شود.

● در مدت ۹ ماهی که وین تی وی فعالیت کرد، حدود سی نفر در این شبکه کار می‌کردند و در این مدت دو تیم مدیریت را به کار گرفتید. ولی نهایتاً به آنچه که مورد انتظار بود نرسیدید و ناگزیر از تعطیل شبکه شدید. دلایل آن چه بود؟

– من به این پروژه به صورت یک کار تیمی نگاه می‌کردم. من در این تیم وظیفه تأمین امکانات از قبیل تهیه دستگاهها و تجهیزات لازم، تهیه جا و مکان، امکانات بخش و همچنین پرداخت حقوق و دستمزد کارکنان را به عهده داشتم که این کار را به نحو احسن و در حد اعلا انجام دادم و حقوق و دستمزد مکتفی به همکاران، حتی در مواردی بیش از حقوقی که در شبکه‌های دولتی می‌دهند، پرداخت کردم. برای انتخاب کارکنان با برخی از شخصیت‌های سیاسی و دوستان مشورت کردم و سرانجام افرادی را که در این حرفه دارای سابقه و اسم و رسمی بودند به عنوان مدیران و گردانندگان اصلی برگزیدم و بقیه کار را از قبیل انتخاب و استخدام افراد فنی و اداری، تدوینگران، مجریان و غیره به آنها سپردم. و قرار شد برای تهیه استودیوی ضبط و امکانات بخش نیز این همکاران اقدام کنند. هدف این بود که تولید برنامه که با یک ساعت و نیم شروع شده بود و در آمریکا پخش می‌شد، ظرف مدت چند ماهی به شش یا هشت ساعت برسد و علاوه بر برنامه‌های خبری، برنامه‌های هنری، تفسیرهای سیاسی و اجتماعی، فیلم و سریال، گزارش‌های ویژه و برنامه‌های متنوع و ابتکاری دیگر را در بر بگیرد. علاوه بر این هدف اصلی این بود که پس از مدتی امکان پخش برنامه توسط ماهواره‌ها تبرد و پوئل ست و نایاب ست برای ایران هم فراهم شود. تمام این شرایط تا ابتدا با همکاران در میان گذاشته شد و مورد توافق قرار

برای دموکراسی و با سوءاستفاده از آزادی، آن هم در جوامع آزاد، روزنامه و رسانه را به سبک دعوای سیاسی دهه‌های ۲۰ و ۳۰ ایران وسیله اخاذی و باج‌گیری قرار دهبیم؟ من بر این باورم که نسل جوان و بالنده ایران چنین شایستگی و لیاقتی را دارد، چه باک اگر بخشی از نسل گذشته هنوز با مفهوم دموکراسی آشنا نشده باشد! این شد که وقتی دوستم منوچهر منتصری که از سرآمدان برنامه‌سازان و مجریان تلویزیونی است حدود پنج ماه قبل تلفن کرد و از من خواست در برخی روزهای هفته در برنامه خبر شرکت کنم و تفسیری کوتاه بگویم با کمال اشتیاق پذیرفتم و در تعداد زیادی از برنامه‌ها بی هیچ چشمداشتی حضور پیدا کردم. آری دکتر بهروز بهبودی این گام اساسی را بر داشته و شبکه‌ای به راستی مستقل و آزاد بنیاد گذاشته و حدود سی نفر را نیز با حقوق و دستمزد مکتفی به کار گرفته بود. و حالا وقت آن بود که همه با چنگ و دندان این موقعیت را حفظ کنند و ضمن تولید برنامه‌های متنوع و پربار راه را برای پخش برنامه توسط ماهواره به روی ایران بگشایند. دکتر بهبودی همانگونه که در پیام تلویزیونی‌اش که بعضاً در میان برنامه‌ها پخش می‌شد تأکید می‌کرد هدف و انگیزه‌اش از راه‌اندازی شبکه وین تی وی ایجاد بستری برای توسعه دموکراسی در جامعه ایرانی از طریق تأمین امکانات لازم برای اهل اندیشه و قلم و فعالیتی است که همواره از فقدان امکانات شکایت سر داده‌اند.

شبکه بین‌المللی واشنگتن کار خود را با یک ساعت و نیم تولید برنامه عمدتاً در زمینه خبر و تفسیر و بعضاً میز گرد تلویزیونی آغاز کرد و همین برنامه طی بیست و چهار ساعت به طور مرتب تکرار می‌شد. با همین مقدار اندک برنامه، ایرانیان مقیم آمریکا و بخشی از ایرانیان اروپا که امکان دریافت از طریق GLWIZ را دارند به آن اقبال نشان دادند و در همین حال تعداد کثیری از مردم داخل ایران نیز از طریق اینترنت موفق به دریافت برنامه می‌شدند. جامعه ایرانی نشان داد که از هر اقدامی که برای گسترش دموکراسی انجام شود استقبال می‌کنند. امید می‌رفت - و قرار هم بر این بود - که به زودی برنامه‌های متنوع دیگر هم اضافه شود و حداقل به شش یا هشت ساعت تولید برسد. و از همه مهم‌تر اینکه امکانات ارسال برنامه به روی ماهواره و پخش برای ایران فراهم شود. اما چنین نشد و با تعویض گروه مدیریت اجرایی شبکه که در میانه راه صورت گرفت، باز هم تولید برنامه از یک ساعت و نیم فراتر نرفت و ارتقایی هم در کیفیت برنامه‌ها حاصل نگشت و پخش برنامه برای ایران هم میسر نشد.

این‌ها همه به کنار، اما دردناک‌تر از همه برای من این بود که پس از ۹ ماه، تولید و پخش برنامه‌های وین تی وی متوقف شد. از یازدهم ژوئن که آخرین برنامه پخش شد پیامی بر صفحه تلویزیون ظاهر گشت - و هنوز هم این پیام در میانه برنامه‌های از پیش ضبط شده ظاهر می‌شود - که فعالیت وین تی وی به دلایل گوناگون موقتاً تعطیل شده است و پس از مدتی این شبکه کار خود را از سر خواهد گرفت.

در این سال‌ها متأسفانه بارها شاهد تعطیل شبکه‌های فارسی زبان بوده‌ام که دلیل اصلی تعطیلی آنها فقدان امکانات مالی بوده است. اما وین تی وی چرا تعطیل شد؟ این تلویزیون که مشکل مالی نداشت. دکتر بهبودی سرمایه مالی در حد کلان برای این کار اختصاص داده بود و بی‌درغ خرج می‌کرد و هنوز هم قصد دارد پس از وقفه‌ای کوتاه کار خود را ادامه دهد. آشکار بود که اشکال کار نمی‌توانست به سرمایه‌گذار و مدیر مؤسس شبکه از بیاباد داشته باشد. پس باید دلیل را در جای دیگری جستجو کرد.

از این دردناک‌تر شایعه‌ها و اتهاماتی بود که در پی تعطیل تلویزیون علیه دکتر بهبودی به راه افتاد و شگفت آنکه این شایعات را کسانی منتشر می‌ساختند و هنوز هم می‌سازند که طی این مدت با شبکه وین تی وی همکاری داشتند و اتفاقاً در مقایسه با دیگران به نسبت کاری که انجام می‌دادند بیشترین دستمزد را دریافت می‌کردند. پخش شایعات در فضای مجازی بر روی شبکه اینترنت و فیس بوک به جای خود، تعجب‌آورتر آنکه یک روزنامه محلی فارسی مرزهای حرفه‌ای اخلاقی را هم در نوردید و اتهاماتی ناوړه وارد کرد که اشاره به آن هم ضرر‌آور است و معلوم نیست اگر این‌ها از چنین نقطه ضعف‌هایی بعضاً اخلاقی آگاه بودند چطور در این مدت برای او کار می‌کردند و قبل از تعطیل شبکه و قطع دستمزد به یاد این اشکالات نیتانند. با این همه در تمام این شایعات و شبنامه‌هایی که منتشر شد، حتی یک کلمه هم در مورد اینکه مدیر تلویزیون در پرداخت دستمزد کوتاهی کرده باشد و با امکانات کافی در اختیار کارکنان نگذاشته باشد دیده نمی‌شود.

این اشاره نسبتاً مختصر را قصد داشتم پیش از این در قالب مقاله‌ای بنویسم و این سؤال را مطرح کنم که آیا ما واقعاً با دموکراسی آشنا هستیم و به آن پای‌بندیم، اساساً آن تعالی و شایستگی را پیدا کرده‌ایم که رکن چهارم دموکراسی را در جامعه خود به تدریج شکل دهیم؟ سوالات بسیاری در در ذهن واقعیت‌های مربوط به تعطیل موقت وین تی وی در ذهن داشتم تا اینکه هفته پیش در لندن فرصتی دست داد تا با دکتر بهبودی به گفتگو بنشینم و ضمن آشنایی با این شخصیت خوشنام اقتصادی پرسش‌های خود را در میان بگذارم. آنچه می‌خوانید خلاصه‌ای کوتاه از حاصل این گفتگوی مفصل است که مشروح آن قرار است در یک کتاب درج شود.

دکتر بهروز بهبودی کیست؟

بهروز بهبودی از خانواده سلیمان خان بهبودی پیشکار صدیق و مورد وثوق رضاشاه است که رضاشاه به او اعتماد کامل داشت و اختیار کلیه امور شخصی و خانوادگی خود را به او سپرده بود و او را دوست خود می‌دانست. سلیمان خان از دوران سردار سپه‌ی با رضاشاه بود و در دوران سلطنت نیز به صورت یکی از اعضاء خانواده وی درآمد بود. پس از تبعید و درگذشت رضاشاه نیز سلیمان خان در خدمت محمدرضا شاه قرار گرفت و همان رابطه را با خاندان پهلوی حفظ کرد و سال‌ها نیز ریاست امکلات سلطنتی را به عهده داشت. بهروز بهبودی نواده سلیمان خان است و به سبب همین رابطه، او نیز تا زمانی که در نوجوانی از ایران خارج شد ارتباط نزدیکی با خانواده پهلوی داشت.

بهروز نوجوان تا سال سوم دبیرستان را در دبیرستان البرز گذراند و پس از آن به صوابدید خانواده و به تشویق یکی از بستگان نزدیک که در استرالیا اقامت داشت در ۱۶ سالگی برای ادامه تحصیل رهسپار استرالیا شد و دوره دبیرستان را در سیدنی به پایان رساند. وی سپس به کانادا رفت و تحصیلات دانشگاهی خود را در این کشور به پایان رساند و به اخذ درجه دکترا در رشته مدیریت از دانشگاه معتبر کاناد نائل شد. تحصیلات دکتر بهبودی در میانه سال ۱۳۵۶ به پایان رسید و با شوقی که به خدمت در ایران داشت قصد داشت به ایران بازگردد که کشور با توفان انقلاب روبرو شد و اوضاع دگرگون گشت و وی نیز ناگزیر گشت در هجرت زندگی کند.

این خلاصه کوتاهی از سابقه تحصیلی دکتر بهبودی است. اما ورود او به عالم تجارت و اقتصاد نیز داستان جالبی دارد. بهبودی همراه با یک دوست کانادایی دوران تحصیل به قصد اکتشاف نفت، قطعه زمین وسیعی را در منطقه تگزاس آمریکا خریداری کردند. طبق قوانین آمریکا منابع زیرزمینی هر قطعه زمین هر کجا که باشد منابع زیر زمینی‌اش به صاحب آن تعلق می‌گیرد. از این رو هنگامی که در این زمین وسیع

اشاره:
حدود ده ماه قبل که «شبکه بین‌المللی واشنگتن» به عنوان یک شبکه تلویزیونی مستقل آغاز به کار کرد، من که به یمن دستگاه GLWIZ به شبکه‌های فارسی داخل و خارج دسترسی دارم، از مصمیم قلب شاهدان شدم و احساس غرور کردم از اینکه به معدود شبکه‌های ماهواره‌ای مستقل فارسی در خارج از کشور، شبکه جدیدی اضافه شده است. در جوامع آزاد، اکثر رادیوها و تلویزیون‌ها متعلق به بخش خصوصی است که دولت و حکومت در اداره آنها نفوذ و نقشی ندارد، به خصوص در آمریکا همه رسانه‌ها خصوصی است. این‌ها، چه خوب چه بد، رسانه‌های «مردمی» هستند، بازتاب صدای جامعه هستند. این رسانه‌ها، چه مطبوعات و چه رادیو تلویزیون، در واقع رکن چهارم دموکراسی هستند که ضمن اطلاع‌رسانی به مردم، وظیفه نظارت بر سه قوه قضائیه، مقننه و مجریه را هم به دوش می‌کشند.

جامعه ما در دهه‌های گذشته همواره از داشتن رسانه‌های «مردمی» بی‌بهره بوده است. رادیو و تلویزیون منحصراً در اختیار حکومت بوده‌اند و مطبوعات نیز به شدت تحت نظارت هیأت حاکمه و به همین دلیل هم گوش و چشمشان پیوسته به رادیو و تلویزیونهای کشورهای بیگانه بوده که ناگفته پیداست آنها هم در پی منافع خودشان بوده‌اند و وظیفه هم نداشته‌اند که نقش رکن چهارم ما را نیز به عهده بگیرند.

ولی بالاخره رسانه‌های مردمی (در اینجا منظورم شبکه تلویزیونی است و نه مطبوعات که خود حکایت دیگری دارد) در جامعه ایرانی هم به راه افتاد. از چند شبکه کابلی در برخی کشورهای اروپایی که بگذریم، سرانجام از ۱۳ سال قبل شبکه‌های تلویزیونی که در سطحی وسیع برنامه پخش می‌کرد و صدا و تصویر آن به ایران هم می‌رسید در لس آنجلس به راه افتاد. هر چه بود متعلق به مردم بود و نیازهای بخشی از جامعه را برآورده می‌ساخت. اما این تلویزیون‌ها هم از طاوول و دست‌اندازی جمهوری اسلامی در امان نماند. همراه با گسترش نفوذ این تلویزیونها، عوامل رژیم هم به کار افتادند. با خرج‌های کلان صاحبان برخی از شبکه‌ها را خریدند، با دادن آگهی‌های ویژه و امتیازهای مالی برنامه‌های بعضی را از محتوا تهی کردند، تعدادی شبکه هم درست کردند با ظاهر مخالف که در حقیقت در خط رژیم حرکت می‌کنند. این شد که مرزها بهم ریخت و غش و تمین بهم آمیخت به گونه‌ای که در این آشفته بازار تشخیص سره از ناسره هنوز هم کاری است دشوار.

این مقدمه را گفتم که یادآور شوم که امروزه در این بازار مکاره تعداد شبکه‌های مردمی که منافع مالی‌شان مشخص است و سر نخشان به جایی وصل نیست، از سه چهار شبکه تجاوز نمی‌کند.

وقتی شبکه بین‌المللی واشنگتن (وین تی وی) راه افتاد نه تنها از اینکه تلویزیونی به معنای واقعی مستقل و مردمی شروع به کار کرده خوشحال شدم، بلکه یک دلیل دیگر خرسندی من هم این بود که بالاخره آزاده مردی از سرمایه‌داران خوشنام هم پای به میدان گذاشته و این کلیت فتوت خود امکاناتی فراهم کرده تا زمینه‌ای باشد برای فعالیت گروهی از همکاران مطبوعاتی و حرفه‌ای که استعدادهای خود را در فضایی کاملاً آزاد و فارغ از «نگو و نپرس» نشان دهند و ضمناً رزق و روزی حلالی بپرند و همه این‌ها وسیله‌ای باشد برای اشاعه و ترویج دموکراسی در ایران که امروزه گرفتار بدترین نوع استبداد است و مردمش در طلب آزادی و دموکراسی زندانی می‌شوند، شکنجه می‌بینند و جان خویش را نثار می‌کنند. مگر ما به عنوان فعالان سیاسی و مطبوعاتی، با انانی از ادعای وطن‌دوستی و مردمی بودن همواره گله نمی‌کردیم که چرا بازارگانان و سرمایه‌داران ما بی‌اعتناء به وضع وقت‌باری که مردم دارند سر در آخور رژیم، به داد و ستد با چپاولگران مشغولند و ثروت اندوزی می‌کنند، و آنهایی هم که با ایران تجارت نمی‌کنند، به طور کلی ایران و جامعه ایرانی را فراموش کرده‌اند و حاضر نیستند حتی یک دلار برای کمک به هموطنانشان خرج کنند. مگر نمی‌گفتیم چرا این سرمایه‌داران امکانات مالی در اختیار نمی‌گذارند و زمینه‌ای فراهم نمی‌کنند تا ما بتوانیم توانایی‌هایمان را عرضه کنیم و صدای مردم ایرانی را به گوش جهانیان برسانیم و بستری برای توسعه دموکراسی آماده سازیم؟

فکر می‌کردم حالا که یک شخصیت برجسته اقتصادی تحصیل کرده متعلق به یک خاندان اصیل ایرانی، صرفاً به منظور کمک به هم‌میهن‌ان خود در راه رسیدن به آزادی و دموکراسی، سرمایه خود را به کار انداخته و امکاناتی برای گردش اخبار و اطلاعات، توسعه آگاهی‌ها و خدمت به جامعه ایرانی ایجاد کرده، باید این فرصت را مغتن شمرد و در حد توان به یاری این رسانه شتافت. این حداقل کاری است که ما می‌توانیم برای ایجاد آن رکن چهارم دموکراسی انجام دهیم. رکن چهارم دموکراسی که در کشورهای آزاد قدرتی برتر از نهادهای دولتی دارد، با تلاش و کوشش افراد صادق، دلسوز و آزاده‌ای بنیان گذاشته شده که همه‌های متوالی از جان و توان خود ما به گذاشته‌اند تا توانسته‌اند برای حفاظت از دموکراسی چنین نهاد توانمندی ایجاد کنند. این رکن است که استمرار دموکراسی را تضمین می‌کند. آیا ما هم لیاقت داشتن این نهاد را پیدا کرده‌ایم یا هنوز می‌خواهیم به بهانه تلاش



گرفت و اطمینان دادند که این هدف‌ها را تأمین کنند.

من با تعهدی که در خود جهت بسط دموکراسی و حقوق بشر در ایران احساس می‌کردم و وظیفه‌ای که بر عهده گرفته بودم سهم خود را به طور کامل ادا کردم و مخارج سنگینی را متحمل شدم. به توصیه همکاران، حتی برای اجاره یک استودیو از رویترز ماهانه ۱۲۰ هزار دلار می‌پرداختم که بسیار بالاتر از هزینه‌های متعارف این کار بود. پرداخت اجاره محل اداری و فنی در ساختمان خبرگزاری آسوشیتد پرس در خیابان سیزدهم واشنگتن، تهیه وسایل فنی و تجهیزات تولید به کنار، به همکاران خود نیز حقوق‌هایی در سطح پیشرفته‌ترین شبکه‌های تلویزیونی می‌پرداختم حتی به کسانی که در طول روز بیشتر از ده پانزده دقیقه برنامه نداشتند. همکاران ما هم علیرغم اینکه سایر شبکه‌ها هفت روز هفته مشغول کار هستند، به سبک ادارات دولتی فقط پنج روز در هفته کار می‌کردند. من در واقع هر ۵۰۰ هزار دلار پرداخت می‌کردم آن هم برای تولید و پخش تنها ۷/۵ ساعت برنامه در هر هفته.

● دلیل اینکه برنامه‌ها درست پیش نرفت و به هدف نرسیدید چه بود؟

– پیشرفت این کار، مانند هر پروژه دیگری احتیاج به کار تیمی صمیمانه داشت و به اینکه همه دست‌اندرکاران و همکاران به حد کافی انگیزه برای رسیدن به هدف داشته باشند. اما متأسفانه برخی همکاران از این انگیزه

● آیا ما هنوز شایستگی ایجاد «رکن چهارم دموکراسی» را پیدا نکرده‌ایم؟
● انگیزه راه‌اندازی شبکه وین تی وی کمک به توسعه دموکراسی و ارتقاء شرایط حقوق بشر در ایران است
● قدرت رسانه‌های هنگامی شکل می‌گیرد که آنان که در این رشته کار می‌کنند به دموکراسی باور داشته باشند و خالصانه و مستمر تلاش کنند



● به این ترتیب شما مبلغ هنگفتی متضرر شدید.

– درست است که من در این مدت ۵ میلیون دلار هزینه کردم، اما اسم آن را ضرر و زیان نمی‌گذارم. تجربه‌ای است که البته گران به دست آمده است، تجربه‌ای که می‌تواند در برنامه‌های آتی مفید واقع شود.

● پیامی که این روزها بر صفحه شبکه در آینده نزدیک می‌دهد، اصولاً چه برنامه‌ای برای آینده دارید؟

– گرچه شبکه تعطیل شده ولی چند تن از همکاران همچنان سرگرم کار هستند و در حال حاضر هم، تا راه‌اندازی مجدد شبکه، برنامه‌های ویژه و گزارش‌های از پیش تهیه شده به طور مرتب پخش می‌شود. در حال حاضر چند طرح مورد نظر است. من درصدد شناسایی و انتخاب همکاران جدیدی هستم که هم از نظر حرفه‌ای تخصص و توان لازم را داشته باشند و هم به عنوان چهره‌های موجه و قابل قبول در جامعه ایرانی شناخته شده باشند و هم واقعاً به دموکراسی و حقوق بشر باور داشته باشند. این همکاران مدیریت امور را به عهده خواهند داشت و هم اکنون سرگرم جذب نیرو برای رده‌های پائین‌تر در امور مختلف نویسندگی، ترجمه، تدوین، امور فنی و تهیه مقدمات برای پخش برنامه بر روی ماهواره هستند. پس از انجام این مقدمات و این آماده‌سازی‌ها، پیش‌بینی می‌کنم که از اوایل سال آینده شبکه راه‌اندازی کنیم و پخش مجدد برنامه‌ها را این بار پرمتحتوی‌تر و پربارتر آغاز نمایم.

در همین حال در قالب فعالیت‌های «شورا برای یک ایران دموکراتیک» (CDI) همراه با این اقدامات که برای راه‌اندازی دوباره شبکه انجام می‌شود، در صدد ایجاد یک سایت اینترنتی خبری و تفسیری و انتشار یک نشریه هم هستیم که همه این امکانات در راه هدف اصلی که توسعه دموکراسی و حقوق بشر در ایران است به کار گرفته خواهد شد.